

لله عاقبة الامور

مقدمه ای بر

ترجمه تفسیر جوامع البحار جامع طبرسی

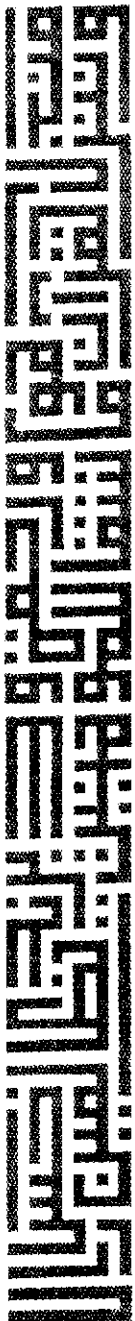
تفسیر جوامع الجامع یکی از سه تفسیر شیخ بزرگوار امین الاسلام فضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ هـ)، و آخرین آن سه و گزیده دو تفسیر دیگر او مجمع البیان و الکافی الشافی است.

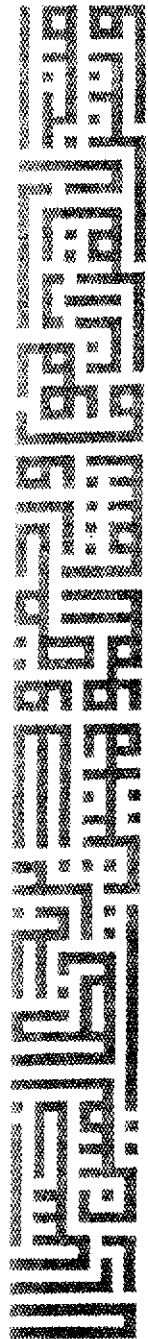
بیان شخصیت و معرفی مقام والا و شرح زندگی آن دانشمند، در این مختصر نمی‌گنجد و در این باره مقاله‌ها و بلکه کتابها نوشته‌اند.

آنچه در این سطور به عنوان مقدمه بر ترجمه این تفسیر نگاشته می‌شود، به طور فشرده و کوتاه ارزش این کتاب نفیس را بیان می‌کند.

امین الاسلام طبرسی، از یک خاندان بزرگ روحانی و علمی بوده است که اصلاً اهل تفرش بوده‌اند، و به خراسان هجرت کرده‌اند. و کلمه طبرس در اصل همان تفرش بوده است. این دانشمند، ساکن مشهد بوده و در اواخر عمر راهی سبزوار شده و در همان جا فوت کرده و جنازه او راه مشهد مقدس حمل و در محل کنونی دفن کرده‌اند. و خیابان طبرسی به نام اوست.

به گفته بیهقی، معاصر او در کتاب تاریخ بیهقی: کار عمده این دانشمند، تلخیص و تحریر کتب دیگران بوده است. کتاب مجمع البیان بنا به تصریح خود





او در مقدمه کتاب، تحریری است نواز تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ هـ).
(کما این که کتاب المؤلف من المختلف بین ائمة السلف در فقه تطبیقی یا مسائل الخلاف نیز تحریری است از کتاب مسائل الخلاف شیخ طوسی.
وی در عصر خود در علوم متنوع زمان خود مانند تفسیر، فقه، کلام، سیره و تاریخ ائمه شهرت داشته و در همه این موضوعات کتاب یا کتابها نوشته است.

چنان که از کتب او بخصوص دو تفسیر موجود او مجمع البیان و جوامع الجامع به دست می آید، او در ادب و لغت عرب استاد و صاحب نظر بوده، و عبارت عربی را در نهایت جزالت و فصاحت، در عین اختصار می نوشته است، و به لطائف ادبی علاقه خاصی داشته است. همین نکته سنجی و لطفیه جویی، او را به نوشتن الکافی الشافی که لطائف ادبی تفسیر کشاف علامه زمخشری (م ۵۳۸ هـ) را در بردارد واداشته است، لطائفی که تفسیر مجمع البیان خود او از آنها خالی بوده و با ضمیمه شدن آنها به مجمع البیان، این کتاب جامعتر می گردد.

ما در این جا به نکاتی که از دیباچه کتاب جوامع الجامع از قول خود طبرسی به دست می آید اکتفا می کنیم:

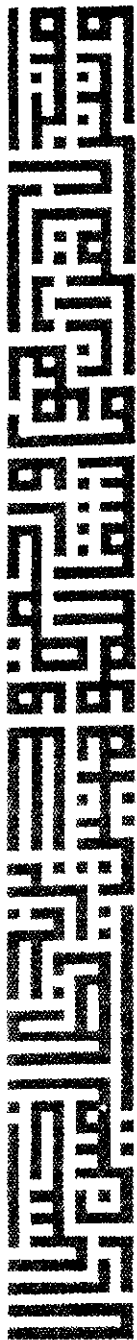
در ترجمه احوال طبرسی نوشته اند که او دارای سه نفسیر بوده است: کبیر، صغیر، اوسط. اما تعیین آن سه کتاب، بدون خواندن این دیباچه غیر ممکن است. در این دیباچه می خوانیم که طبرسی نخست کتاب مجمع البیان را نوشته و بعد از وقوف بر کتاب کشاف نکات و لطائف آن را برگزیده و نام آن را الکافی الشافی نهاده است؛ آن گاه بنا به اصرار و الحاح فرزندش ابونصر حسن نکات و لطائف هر دو کتاب را در کتاب سوم، جوامع الجامع گرد آورده و در اختصار آن کوشیده است.

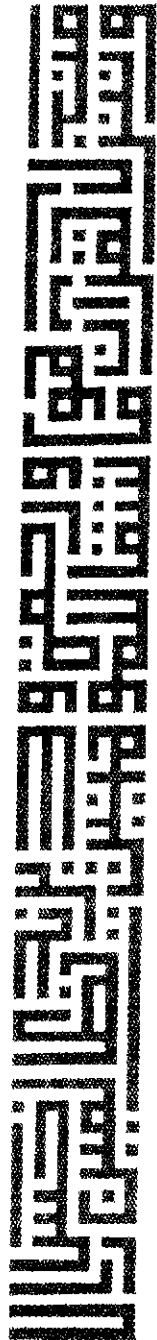
از این جا بی می بریم که تفسیر کبیر همان مجمع البیان فی تفسیر القرآن است که طبرسی خود در این دیباچه آن را کبیر خوانده است، و تفسیر صغیر ظاهراً الکافی الشافی است، و اوسط جوامع الجامع است که به همین لفظ

اوسط از آن یاد شده است. یا بالعکس این کتاب. تفسیر صغیر و الکافی تفسیر متوسط است؛ و در هر حال، تفسیر دیگری به قلم این دانشمند تالیف نشده است که محققان سراغ آن را بگیرند.

حال اگر تفسیر الکافی الشافی به دست آید، و انشمار یابد، هر سه تفسیر این مرد بزرگوار را در اختیار خواهیم داشت و با مقایسه و مطابقت میان آنها معلوم خواهد شد که طبرسی چه نکاتی را از تفسیر کشاف انتخاب نموده است. اما حالا هم که آن تفسیر را در اختیار نداریم با مقایسه میان مطالب جوامع الجامع با مجمع البیان و کشاف می توان حدود استفاده او را از این دو کتاب و نحوه گزینش و انتخاب مطالب را به دست آورد. بادقت در این دو کتاب به دست می آید که طبرسی کوشیده است مطالب مهم و برجسته و لطائف آن دو کتاب را در این کتاب سوم: جوامع الجامع گرد آورد و از برخی مطالب آن دو کتاب صرف نظر نماید.

۲- تفسیر جوامع الجامع به لحاظ جامعیت، بلاغت، اختصار و فشردگی یکی از بهترین کتابهای تفسیر برای تدریس است، و در ایام تحصیل من در قم (سالهای ۱۳۲۸ به بعد) مرحوم آیه الله حاج شیخ ابوالفضل زاهدی آن را در مدرسه فیضیه برای طلاب درس می گفت، و می توان آن را در بین تفاسیر شیعه امامیه به کتاب تفسیر بیضاوی به نام انوار التنزیل و اسرار التأویل از اهل سنت مقایسه و موازنه نمود که آن نیز کتابی است فشرده و خوش عبارت و سالیان دراز، بلکه ظاهراً تا امروز در مدارس اهل سنت، کتاب درسی است، و گویا لا اقل تا عصر شیخ بهائی رحمه الله علیه (م ۱۰۳۰ هـ) تدریس آن تفسیر در بین شیعیان نیز معمول بوده، و به همین خاطر، مرحوم شیخ بهائی نظرات خود را هنگام تدریس تفسیر بیضاوی، به عنوان تعلیقه بر آن کتاب، به رشته تحریر در آورده است. و سزاوار است این تعلیقه با متن آن تفسیر، مقایسه و قدرت شیخ بهائی در علم تفسیر دانسته شود. و این خود می تواند موضوع مقاله یا کتابی باشد. مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۳ هـ) نیز در تفسیر صافی که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام نوشته شده، هر جا حدیثی نیافته از





عبارات کوتاه و برجسته تفسیر بیضاوی بهره برده است، و این مطلب نیز با مقایسه میان آن دو تفسیر، معلوم خواهد گردید.

۳- نکته جالب توجه و بسیار ارزشمند، همانا انصاف و ادب و حق شناسی و پاکی نفس و عدم تعصب مذهبی مرحوم طبرسی است که از خلال تفسیر جوامع الجامع و از دیباچه آن کاملاً فهمیده می شود؛ زیرا طبرسی، بصراحت اعتراف به فضل و علم و شایستگی معاصر خود، علامه زمخشری و تفسیر کشاف او می کند، با همه اختلاف مذهب و مسلک آن دو؛ زیرا طبرسی عالم و پیشوای شیعه امامی است و در عصر خود و در بین پیروان اهل بیت بخصوص در بین اهل سوزوار که به پایندی شدید به اهل بیت معروف بوده اند و داستان (بویکر) مولانا، کاشف از آن پایندی است شهرت داشته است * . اما زمخشری نیز دانشمندی بلند آوازه در بین اهل سنت و از مدافعان سرسخت مسلک اعتزال بوده است. در عین حال، طبرسی باک ندارد که علی رؤوس الاشهاد از وی تقدیر و تجلیل کند، و حق او را چنان که باید و آن طور که بوده، به قلم آورده، و برای آیندگان باقی گذارد. این نوشته، در حقیقت یک سند کتبی و باقی ماندنی است و غیر از تعریف لفظی و احترام شفاهی و تعظیم مجلسی است که آنی رخ می دهد و از میان می رود.

همان طور که اشاره شد، این امر، حاکی از طهارت نفس، حق شناسی و خالی بودن قلب آن دانشمند از هر گونه تعصب بیجای مذهبی است، که باید و لازم است همه وقت بخصوص در عصر حاضر که اسلام عزیز از همه سوی در معرض تهدید، و به اصطلاح بیضه اسلام در خطر است، و دشمنان اسلام، از شرق و غرب، از هندوی مشرک و مسیحی و یهودی بظاهر اهل کتاب و ملحدان بی دین، و سیاستمداران زورمند، در صدد هجوم نظامی و فرهنگی و علمی و صنعتی است. در این چنین زمانی، وحدت اسلامی و همزیستی مسالمت آمیز

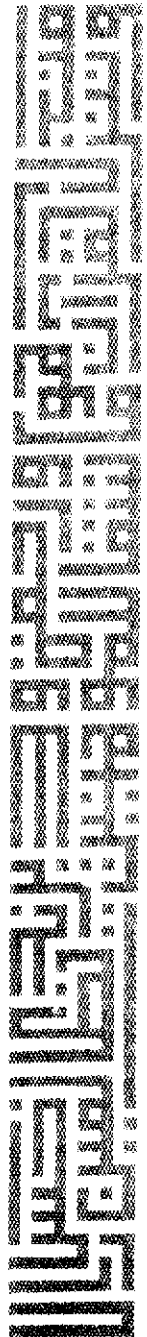
* حکایت بویکر و محمد خوارزمشاه در دفتر پنجم مشنوی آمده است، با این مطلع
شد محمد آلپ آغ خوارزمشاه در قتل سوزوار پر پناه
تنگشان آورد لشکرهای او اسپسش افتاد در قتل عدو

مذاهب اسلام، از اوجب واجبات است، و این امر با همین حق شناسیها و انصاف دادنها و رعایت ادبها تحقیق می‌یابد و لازم نیست کسی از مذهب خود که با آن بزرگ شده و انس گرفته عدول کند و از آن دست بردارد.

این همان هدف مقدسی است که رسول اکرم و ائمه هدی و علما و رهبران بزرگ جهان اسلام، در گذشته و حال بدان توصیه کرده‌اند. از جمله مراجع و علمای شیعه در عصر ما مرحوم آیه الله العظمی بروجردی (م ۱۳۸۰ ه) و حضرت امام خمینی رضوان الله علیهما بیش از دیگران بر این امر تاکید داشتند. به امر رهبر عالی‌مقام انقلاب حضرت آیه الله خامنه‌ای نیز مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه به همین منظور تأسیس گردیده است. به نظر من یکی از راههای رسیدن به این هدف، نشر و ترویج این قبیل کتابهاست و این نکته عجیب است که بیش از ما نیز حامیان و هواخواهان تقریب بین مذاهب، به همین نکته عنایت داشته‌اند. و از میان هزاران دانشمند انگشت روی امین الاسلام طبرسی و کتاب مجمع البیان و جوامع الجامع او گذارده‌اند.

مرحوم شیخ محمود شلتوت، شیخ اسبق جامع ازهر که از بنیانگذاران دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه قاهره و در امر تقریب کوشا بوده است، مقدمه‌ای بر کتاب مجمع البیان چاپ دارالتقرب نوشته که در مجله رساله الاسلام، سال دهم شماره سوم چاپ شده است.* شیخ شلتوت در این مقدمه بحثی طولانی و شیوا در باره روحیه پاک طبرسی و خصوصیات مجمع البیان و جوامع الجامع طرح و روی چند نکته تکیه نموده است:

اول، انصاف و صفای باطن و مبری بودن طبرسی از هرگونه تعصب مذهبی است، و گواه بر این مطلب را همان ارج نهادن وی به علامه زمخشری و کتاب کشف او، با وجود اختلاف مذهبی آنان دانسته است؛ و در این رابطه بخشی از عبارات جوامع الجامع را با کشف و مجمع البیان مقایسه نموده، و ثابت کرده است که طبرسی به قول خود وفا کرده و برخی نکات و لطایف را که * ترجمه مقدمه شیخ شلتوت در شماره سی ام مجله مشکوة آمده است.



خاص کشف است و در مجمع البیان وجود ندارد، از کشف اقتباس و در کتاب جوامع الجامع درج کرده است.

نکته دوم آن که طبرسی در مجمع البیان با نهایت امانت و بیطرفی، اقوال مفسران سلف را بدون توجه به مذهبشان آورده و گفتار ائمه اهل بیت علیهم السلام را به آنها افزوده یا در باره یکی از اقوال می‌گوید: و هو المروی عن ائمتنا، و گاهی هم گفتار دیگران را بر آنچه که منسوب به ائمه اهل بیت (ع) است ترجیح می‌دهد و می‌گوید: این قول به ظاهر قرآن نزدیکتر است. نکته سوم آن که طبرسی در مقدمه جوامع الجامع اظهار داشته که گاهی عین عبارت زمخشری را آورده؛ زیرا سخنی از آن زیباتر نیافته است.

نکته چهارم، سرانجام شیخ شلتوت می‌گوید: تفسیر مجمع البیان با مزایای زیادی که دارد از کلیه تفاسیر قرآن بهتر است.

این اعتراف از شیخ شلتوت، خود نیز گواه صمیمیت و طهارت نفس اوست، که در حقیقت پاداشی است به تجلیل و اکرام طبرسی از زمخشری.

آری؛ چنین دانشمندانی می‌توانند مسلمانان را با وجود اختلاف مذهب و مسلک، متحد و هماهنگ سازند و با این عمل، آب رفته اسلام را به جوی باز گردانند. و باید از خدای مَنّان بخواهیم که وجود این قبیل از علما و مصلحان را در همه مذاهب اسلامی زیاد کند، کسانی که در عین پابندی به مذاهبشان، قلبشان برای عالم اسلام و قاطبه مسلمانان می‌تپد، و مصالح اسلام را بر مصلحت مذهب خاص خود مقدم می‌دارند.

اینک من نکته‌ای را بر گفتار شیخ شلتوت می‌افزایم، و آن نکته این است که شیخ شلتوت از کتاب وزین و نفیس المؤلف من المختلف بین ائمة السلف تألیف طبرسی که تحریر جدیدی از کتاب مسائل الخلاف شیخ طوسی است خبر نداشته است؛ زیرا هنوز در آن هنگام، این کتاب چاپ نشده و انتشار نیافته بود، و در این اواخر، توسط بنیاد پژوهشهای اسلامی وابسته به آستان قدس رضوی چاپ گردیده است.

از مقدمه این کتاب به دست می‌آید که طبرسی، نواقص موجود در

کتاب مسائل الخلاف را که بر شمرده، در کتاب خود مرتفع کرده است، از جمله استدلالهای ضعیف شیخ طوسی و ادعاهای اجماع مکرر او بر مسائل را کنار گذاشته و با علامت (ج) مسائل اجماعی را مشخص کرده است.

نکته جالب توجه، نام این کتاب است که درست بر خلاف کتاب اصلی مسائل الخلاف، طبری قبل از این که به مسائل اختلافی توجه نماید، به مسائل مورد اتفاق توجه فرموده و نام کتاب را با این انگیزه مقدس، هماهنگ فرموده است. و آنچه مورد ائتلاف و مایه اتفاق است از میان مسائل خلافی، برگزیده، و از علمای پیشین که صاحبان آن اقوال مختلف هستند به ائمه سلف یاد کرده است.

این نام، من را به یاد نام کتاب ابوالحسن اشعری، پیشوای مذهب اشاعره انداخت: مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین. اشعری، در این کتاب به نحوی شایسته، مذاهب و فرق اسلامی را همان طور که بوده اند با نهایت امانت، معرفی نموده است، و با این که مذهب حق را همان مذهب اهل حدیث می داند که بعداً به نام خود او شهرت یافته: (مذهب اشعری)، در عین حال، دیگر مذاهب اسلامی را به عنوان مذاهب اسلامی و اختلاف آنان را به نام اختلاف نمازگزاران نام برده و همه را مسلمان و اهل قبله و نماز گزار قلمداد فرموده است. بر عکس مسلک نوپیدای وهابیت و سلفیه که با اندک اختلافی، دیگران را مشرک و غیر مسلمان و واجب القتل معرفی می کنند و هر چند گاه، فتوایی از سوی مفتیان جیره خوار رژیم سعودی مُشعر به این امر صادر می گردد.

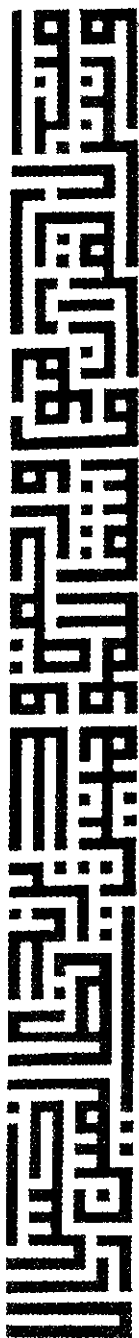
باری، گفتمی در این باره زیاد است، اما به قول شاعر:

شرح این هجران و این خون جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

از این درد دلها صرف نظر می کنیم، و دل پاک خوانندگان این پیشگفتار را آزرده و چرکین نمی کنیم.

اما سخن کوتاه دیگر مادر باره این ترجمه و مترجمان عزیز است. ترجمه





این کتاب را به فارسی و انگلیسی این جانب پیشنهاد کردم. ترجمه انگلیسی که قرار بود در هند توسط دانشمندی هندی صورت گیرد انجام نشد، ولی ترجمه فارسی توسط چند تن صورت گرفت؛ آنان عده‌ای از فضلاء حوزه و دانشگاه هستند که در گروه ترجمه عربی بنیاد پژوهش‌های اسلامی به سرپرستی حجة الاسلام آقای صاحبی گرد آمده‌اند، و با کمک یکدیگر این کتاب نفیس جوامع الجامع طبرسی را ترجمه می‌کنند. اینک بخش اول آن. که تا آخر جزء سوم قرآن است، توسط فاضل محترم جناب آقای احمد امیری شادمهری ترجمه گردیده و قسمتهایی از آن را ملاحظه کردم. ترجمه صحیح و روان است، بعلاوه، حواشی مفیدی با استفاده از مجمع البیان طبرسی و جز آن، بر اصل ترجمه افزوده‌اند که بسیار مغتنم است، امید است سایر قسمت‌های هر چه زودتر توسط مترجمان فاضل، آقایان عبدالعلی صاحبی، حبیب الله روحانی، علی عبدالحمیدی و اکبر غفوری پایان یابد و برای چاپ آماده گردد، ان شاء الله تعالی.

در پایان از بنیاد پژوهش‌های اسلامی نیز تشکر و تقدیر می‌کنم که وسیله این امر خیر را فراهم نموده است. ولله الحمد اولاً و آخراً

محمد واعظ زاده خراسانی

طرح حاشیه سرمقاله:

آیه شریفه «و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً»

اسراء/۸۲ به خط کوفی مقل اثر علاء بصری